

تحلیل عناصر تعهد به پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی

رامین یارمحمدی^۱ - زهرا محمودی کردی^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۶

چکیده

با توجه به تبعات و آثار گسترده آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی، امروزه دولت‌ها برای مقابله با آنها از رویکرد سنتی که ماهیتی جبرانی داشت فاصله گرفته و به رویکرد پیشگیری تمایل بیشتری نشان می‌دهند. تجربه و یافته‌های علمی نشان می‌دهد که پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی علاوه بر فواید آن برای محیط زیست به لحاظ اقتصادی نیز مقرون به صرفه بوده و از این رو به قاعده طلایی و برج مراقبت حقوق بین‌الملل محیط زیست معروف است. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از اسناد و رویه قضایی بین‌المللی، فن ترکیبی توصیفی، تبیین و فهم را به کار گرفته و در پی شناساندن اجزای شاکله تعهد دولت‌ها به پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی است. دستاورد مقاله این است که اولاً تعهد به پیشگیری، تعهدی دو جزئی است که از دو عنصر ماهوی (تلاش مقتضی) و شکلی (همکاری) تشکیل شده است و هر یک از این عناصر نیز اجزایی دارند که وجودشان برای احراز مسئولیت دولت منشا ضروری است، ثانیاً با توجه به گستره آثار منفی آسیب‌های فرامرزی، عناصر ماهوی و شکلی مکمل هم بوده و احراز هر دو عنصر برای ایفای تعهد به پیشگیری ضروری است.

واژگان کلیدی: آسیب زیست‌محیطی فرامرزی، تعهد به پیشگیری، تلاش مقتضی، همکاری، دولت منشا

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه مازندران r.yarmohammadi1991@gmail.com
۲. استادیار حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) z.mahmoudi@umz.ac.ir

مقدمه

گسترش فعالیت‌های صنعتی باعث سرعت گرفتن آسیب‌های زیست‌محیطی و جلوه‌گر شدن اقسام جدیدی از آنها شده است که نتیجه آن برهم خوردن کیفیت محیط زیست و توازن پایدار، لطمه به زیست‌بوم‌ها، سلامت انسان و ... است. یکی از اقسام چالش برانگیز آسیب‌های زیست‌محیطی، آسیب فرامرزی یا مرز گذر است. کمیسیون حقوق بین‌الملل در بند ج ماده ۲ طرح پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک، آسیب فرامرزی را آسیبی می‌داند که در قلمرو و یا مکان تحت صلاحیت و کنترل دولتی غیر از دولت منشا نمایان شود. به بیان کامل‌تر، آسیبی را می‌توان فرامرزی دانست که چهار عنصر ماهوی یعنی پیامد فیزیکی، منشا انسانی (حاصل فعل یا ترک فعل انسان بودن)، آستانه مشخصی از شدت (قابل توجه بودن) و آثار فرامرزی را داشته باشد به نحوی که علاوه بر کشور منشا، محیط زیست کشور یا کشورهای دیگر را نیز متاثر سازد.^۱ گستردگی تبعات زیست‌محیطی آسیب‌های فرامرزی، این حقیقت را آشکار ساخته که رویکرد سنتی و تأکید دولت‌ها بر حاکمیت خود در بهره‌برداری از منابع و در نهایت جبران خسارت در قبال آسیب‌های وارده به محیط زیست سایر کشورها، جوابگو نبوده و باید رویکرد جدید یعنی "پیشگیری" را جایگزین "جبران خسارت" نمود.^۲ تعهد به پیشگیری، دولت انجام دهنده فعالیت متضمن آسیب فرامرزی را ملزم به عدم ورود آسیب به کشورهای دیگر می‌داند و از این‌رو دولت مکلف است اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه و همچنین تلاش مقتضی^۳ خود را جهت پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی و کاهش نتایج مخرب آنها اتخاذ کند. این اقدامات مجموعه اصول و تعهداتی هستند که از یک سو قصد کنترل و از سوی دیگر قصد افزایش همکاری میان دولت‌ها در فراهم کردن اطلاعات لازم برای پیشگیری یا به حداقل رساندن خسارات زیست‌محیطی را دارند.^۴

1. Marte Jervan, "The Prohibition of Trans Boundary Environmental Harm, an Analysis of the Contribution of the International Court of Justice to the Development of the No-Harm Rule", PluriCourts Research Paper, No. 14-17, (2014), pp. 3,4.

2. Ole W Pedersen, "Environmental Principles and Environmental Justice", Environmental Law Review", (2010), Vol. 12, No. 1, p. 12.

3. Due Diligence.

4. Sayed Mohamed Mohamed Zeidan, "The Obligation of Prevention and Reduction as an Essential Obligation for State Responsibility for Environmental Damage Caused by Nuclear Activities", Denver Journal of International Law and Policy", (2010), p. 3.

شناخت تعهد به پیشگیری به دلیل شمار و تنوع اسناد حقوقی که متضمن پیشگیری هستند موضوع پیچیده‌ای است. از یک سو برخی معتقدند که پیشگیری را باید به‌عنوان یک هدف عام‌الشمول در نظر گرفت؛ هدفی که مبین سازوکارهای حقوقی نظیر ارزیابی آسیب زیست‌محیطی، تعیین حد مجاز انتشار گازها و مواد خطرناک، استانداردهای حاکم بر محصولات یا فرایندهای تولید، استفاده از بهترین فناوری‌های موجود، صدور پروانه و سایر فنون مشابه می‌شود.^۱ از سوی دیگر اسناد بین‌المللی از عبارتهای متفاوتی برای بیان تعهد به پیشگیری استفاده کرده‌اند. برای مثال ماده ۳ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک (۲۰۰۱) مقرر می‌دارد که کشور مبدأ، متعهد به "اتخاذ کلیه تدابیر مناسب" برای پیشگیری و "به حداقل رساندن خطر وقوع این آسیب‌ها" است. این مقرر از دو نوع تعهد مجزا صحبت می‌کند: تعهد به پیشگیری و تعهد به کاهش خطر وقوع آسیب‌های زیست‌محیطی^۲ و پس از آن به منظور ایفای تعهد پیشگیری به روش‌ها و ترتیباتی اشاره نموده که شامل اعطای مجوز، ارزیابی خطر، اعلام و اطلاع، تبادل اطلاعات و آمادگی اضطراری می‌شود. بند ۲ ماده ۱۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) دولت‌ها را موظف می‌کند "کلیه اقدامات ضروری" را به عمل آورده و اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های تحت صلاحیت و کنترل آنها باعث ورود آسیب به دولت‌های دیگر و نیز مناطقی که خارج از حاکمیت کلیه کشورها قرار دارد نمی‌شود. ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیستی بیان می‌دارد که دولت‌ها طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، مطابق با سیاست‌های زیست‌محیطی، دارای حق حاکمیت بر استفاده از منابع خود بوده و موظفند اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های انجام شده در قلمرو یا مناطقی که خارج از قلمرو ملی ایشان است موجب صدمه به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطقی که خارج از قلمرو ملی آنهاست، نشود؛ بعلاوه ماده ۶ نیز تحت عنوان «اقدامات کلی برای حفاظت و بهره‌گیری پایدار» از تنوع زیستی، کشورهای عضو را - بسته به شرایط و توانایی‌هایشان - تا حد امکان و به نحو مقتضی، ملزم به وضع استراتژی، طرح‌ها و برنامه‌های ملی و گنجاندن حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی در طرح‌های ملی می‌نماید. ناگفته نماند که برخی مواد این

۱. حسن مرادی، حقوق محیط‌زیست بین‌الملل، جلد اول، چاپ اول (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲) ص ۸۱

2. Commentaries to the Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities p.390.

کنوانسیون به مؤلفه‌های پیشگیری اختصاص داده شده، از جمله می‌توان به ماده ۵ (همکاری)، ماده ۱۱ (اقدامات تشویقی)، ماده ۱۲ (پژوهش و آموزش)، ماده ۱۳ (آموزش و آگاه‌سازی عمومی)، ماده ۱۴ (ارزیابی تأثیرات و کاهش آثار زیان‌بار) اشاره کرد.

کنوانسیون ارزیابی اثرات زیست‌محیطی فرامرزی موسوم به کنوانسیون ESPOO (۱۹۹۱) را می‌توان اولین سندی دانست که حقوق و تکالیف اعضا را با توجه به اثرات فرامرزی فعالیت‌های آنها مشخص نموده و شیوه‌هایی را برای مقابله با آثار زیست‌محیطی فرامرزی ارائه می‌دهد. ضمیمه الف این کنوانسیون، فهرستی از فعالیت‌هایی را ارائه می‌دهد که موجب آسیب فرامرزی هستند. بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون، طرفین را به صورت فردی یا جمعی متعهد به اتخاذ اقدامات مناسب و مؤثر برای پیشگیری، کاهش و کنترل آثار زیست‌محیطی فرامرزی ناشی از فعالیت‌های موردنظر می‌نماید. این بند متضمن تعهد کلی پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی بوده و سایر مواد در راستای اجرای بهتر آن به رشته تحریر در آمده‌اند، از جمله بند ۲ ماده ۲ که مقرر می‌دارد: «زمانی که احتمال ایجاد آسیب فرامرزی قابل توجه وجود دارد، هریک از طرفین اقدامات قانونی، اجرایی و سایر اقدامات لازم را برای اجرای مقررات کنوانسیون، اتخاذ خواهند نمود». همچنین بند ۳ ماده ۲ که بر لزوم ارزیابی آثار زیست‌محیطی توسط دولت منشا قبل از صدور هرگونه مجوز برای فعالیت‌هایی که احتمالاً آسیب فرامرزی دارند تاکید دارد. طبق بند ۵ ماده ۲ دولت‌های مربوطه^۱ در مورد فعالیت‌هایی که در ضمیمه الف کنوانسیون لیست نشده ولی احتمال آسیب‌زا بودن آنها وجود دارد، بایستی وارد بحث شده و تصمیمات مقتضی را اتخاذ کنند. قابل ذکر است که این کنوانسیون در کنار تعهدات مذکور، به مؤلفه‌های دیگر اصل پیشگیری نیز پرداخته است. مثلاً ماده ۳ دولت منشا را ملزم به اطلاع‌رسانی به کشور یا کشورهایی که در معرض آسیب فرامرزی هستند، می‌نماید.

کنوانسیون آثار فرامرزی ناشی از حوادث صنعتی (۱۹۹۲) به تعهد کلی مبنی بر پیشگیری از ورود صدمه به انسان و محیط زیست پرداخته است. اعضای این کنوانسیون وفق ماده ۲ متعهد هستند به پیش‌گیری، آماده‌سازی و واکنش به حوادث صنعتی که بالقوه آثار فرامرزی دارند. بند ۱ ماده ۳ که محور اصلی تعهد دولت‌ها محسوب می‌شود، مقرر می‌دارد: «اعضاء باید اقدامات متناسب را به کار گرفته و با هم همکاری کنند تا به وسیله پیشگیری از

۱. به معنی کشور مبدأ یا کشور متأثر از ارزیابی اثر زیست‌محیطی است (بند ۴).

حوادث صنعتی تا آن‌جا که ممکن است، از انسان و محیط زیست حفاظت نموده و یا حداقل با کاهش آثار چنین حوادثی از شدت و گستره آن‌ها بکاهند برای این منظور باید اقدامات پیشگیرانه و همچنین اقداماتی نظیر اعاده وضع به حال سابق، اعمال شود». بند ۲ همان ماده بیان می‌دارد که: «طرفین باید به وسیله تبادل اطلاعات، مشورت و سایر اقدامات مبتنی بر همکاری و بدون تأخیر ناموجه، سیاست‌ها و راهبردهایی جهت کاهش خطر حوادث صنعتی و بهبود اقدامات پیشگیرانه، از جمله اعاده وضع به حال سابق را توسعه بخشیده و به اجرا در بیاورند».

چنانچه ملاحظه شد، تعداد اسنادی که متضمن موادی در خصوص تعهد دولت‌ها به پیشگیری از آسیب فرامرزی هستند کم نیست با این حال کماکان سوالات و ابهاماتی پیرامون ماهیت این تعهد، اجزای سازنده آن و جایگاه هر یک از آنها در احراز ایفا یا نقض تعهد وجود دارد، از اصلی‌ترین دلایل ابهامات، عبارت‌پردازی‌های نسبتاً متفاوت اسناد بین‌المللی است؛ تا حدی که در برخی اسناد صراحتاً از عبارت تعهد به پیشگیری استفاده نشده و صرفاً می‌بایست از مضمون عبارات به کار رفته آن را استنباط نمود. یکی از راه‌هایی که ما را در شناخت دقیق این تعهد و احراز نقض آن یاری می‌رساند استخراج عناصر سازنده آن از دل اسناد و رویه‌های قضایی و تجزیه و تحلیل آنهاست. با این وجود مادامی که خلاء یک معاهده بین‌المللی جامع به منظور تنظیم تعهد به پیشگیری خودنمایی می‌کند، نمی‌توان مدعی اجرای صحیح و یکسان آن در سطح بین‌المللی بود. این پژوهش به دنبال شفاف‌سازی ابهامات موجود؛ ابتدا و به ترتیب در بخش‌های اول و دوم به بررسی عناصر ماهوی (تلاش مقتضی) و شکلی (همکاری) می‌پردازد و سپس در بخش سوم مناسبات میان دو عنصر و نقش آنها در تحقق مسئولیت دولت منشأ ارزیابی شده و نهایتاً به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد پرداخته شده است.

۱. تعهد به تلاش مقتضی: عنصر ماهوی

اسناد بین‌المللی مرتبط به دفعات از عباراتی مانند انجام اقدامات لازم، مناسب، موثر و یا متناسب استفاده کرده‌اند و از کشورها حسب مورد، اعمالی خاص را مطالبه می‌کنند. کلیه این عبارات تحت لوای تعهد به تلاش مقتضی قرار می‌گیرد؛ تعهدی که شرط لازم تحقق و عینیت بخشیدن به پیشگیری بوده و برای مشخص ساختن محدوده آن نقش کلیدی ایفا

می‌کند و از این رو ما از آن به عنصر ماهوی یاد می‌کنیم. تلاش مقتضی علی‌رغم اهمیتی که دارد مفهومی بسیار مبهم و فاقد محتوای تثبیت شده است که این موضوع بر تعهدات بین‌المللی مرتبط با آن از جمله تعهد به پیشگیری اثر منفی گذاشته و متعاقباً مسئولیت دولت را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. یکی از مشکلاتی که در تعیین تعهدات دولت‌ها به پیشگیری وجود دارد این است که هیچ معیار یکنواختی از تلاش مقتضی وجود ندارد و کمبود رویه دولت‌ها و همچنین رویه قضایی به این مشکل دامن می‌زند. در مطالب پیش‌رو سعی شده تا به منظور حصول به یک مفهوم کلی از تلاش مقتضی و بیان خصوصیات آن، معیارهایی را استخراج نموده و از این طریق اجزای سازنده تلاش مقتضی را مشخص نماییم.

۱-۱. استخراج معیار از اسناد و رویه قضایی: تلاشی برای ارائه چارچوب

در معاهدات متعدد^۱ و همچنین طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱) و نیز منشور جهانی طبیعت^۲ تلاش مقتضی به عنوان تعهد اولیه زیست‌محیطی دولت‌ها و همچنین به عنوان یک معیار اساسی برای حمایت از محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. دومین مشخصه تلاش مقتضی، انعطاف‌پذیری آن است که اغلب از عبارت اقدامات متناسب برای آن استفاده می‌شود. اگرچه در حقوق بین‌الملل تلاش مقتضی یک اصل عام حقوقی است اما رویه دولت‌ها موجب توسعه قواعد و استانداردهایی شده است که پیشگیری در زمینه‌های خاص، مراقبت و یا رفتار به‌خصوصی را می‌طلبد.^۳ رویه قضایی^۴ سعی در مشخص

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک بند ۱ ماده ۱۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲)، ماده ۲ کنوانسیون آلودگی فرامرزی هوایی دوربرد (۱۹۷۹) و ماده ۲ کنوانسیون وین در مورد حفاظت از لایه ازن (۱۹۸۵)، مواد ۱ و ۲ کنوانسیون پیشگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع (تخلیه) مواد زائد و دیگر مواد، بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در قالب فرامرزی، پاراگراف ۱ ماده ۲ کنوانسیون حفاظت و استفاده از آب‌راه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی.

2. See Principle 21 of the World Charter for Nature (General Assembly resolution 37/7 of 28 October 1982), available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/37/a37r007.htm>, (Last visited: June 16, 2018).

3. Timo Koivurova, "Due Diligence, Max Planck Encyclopedia of Public International Law", Oxford University Press, Oxford" (2013), p. 1. available at: <https://www.arcticcentre.org/loader.aspx?id=78182718-d0c9-4833-97b3-b69299e2f127>, (Last visited: June 15, 2018).

۴. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به آرای ذیل مراجعه کنید:

داوری آلاباما (۱۸۷۲) میان ایالات متحده و انگلستان، اختلاف بین آلمان و سوئیس، در ارتباط با آلودگی رودخانه راین (۱۹۸۶) دستور موقت دیوان بین‌المللی دریاها در قضیه «ماکس پلانت» اختلاف میان ایرلند و بریتانیا (۲۰۰۱) نظریه

کردن شاخصه‌های انعطاف‌پذیری داشته است که با بررسی آنها می‌توان به این نتیجه رسید که تلاش دولت منشا باید متناسب با اهمیت موضوع، میزان توسعه‌یافتگی، وسایل و امکانات در دسترس (موجود) و شدت میزان خطری که متضمن آسیب است انجام پذیرد.^۱ انعطاف‌پذیری را از زاویه دیگر هم می‌توان نگریست و آن عدم تضمین پیشگیری کامل است. به عبارت دیگر حتی اگر یک دولت در موضوع خاصی اقدامات لازم را اتخاذ کند باز نمی‌تواند ضمانت کند که از همه ضررها پیشگیری کامل کرده است.^۲ وجود عبارت‌هایی همچون کاهش یا تنزیل حتی الامکان خطر در مواد ۳ و ۴ طرح پیش‌نویس پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی به روشنی گویای انعطاف موجود در تعهد تلاش مقتضی است ضمن آنکه کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر ماده ۳،^۳ از تعهد دولت منشا به اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و تنزیلی سخن به میان آورده و آن را تلاش مقتضی می‌داند در واقع کمیسیون به نوعی عدم تضمین به پیشگیری کامل را تصدیق نموده است.^۴

سومین ویژگی، پویا و سیال بودن است، بر این اساس تلاش مقتضی به شدت تحت تاثیر زمان و تحولات ناشی از آن قرار دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در قالب عباراتی تفسیرپذیر و نامتقن به پیشرفت علمی و فناوری به عنوان عواملی که در تغییر مفهوم استاندارد تلاش مقتضی مؤثرند اشاره می‌کند گرچه محدوده پیشرفت و نحوه لحاظ آن توسط دولت‌ها مشخص نشده است. نظریه مشورتی در مورد تعهدات دولت‌های حامی در منطقه بستر دریاها (۲۰۱۱) به ویژگی سیال بودن تلاش مقتضی اشاره نموده و بیان می‌دارد تعهد به تلاش مقتضی

مشورتی دیوان بین‌المللی دریاها در قضیه مسئولیت‌ها و تعهدات دولت‌های حامی در منطقه (۲۰۱۱) رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارخانه خمیر کاغذ (۲۰۱۰) قضیه برخی فعالیت‌های انجام شده از سوی نیکاراگوئه در منطقه مرزی و ساخت جاده توسط کاستاریکا کنار رودخانه سن خوان (۲۰۱۵).

1. Hanqin Xue, *Transboundary Damage in International Law*, Vol. 27 (Cambridge University Press, 2003) pp. 162,163.

2. Marte Jervan, "The Prohibition of Trans Boundary Environmental Harm, an Analysis of the Contribution of the International Court of Justice to the Development of the No-Harm Rule", *PluriCourts Research Paper* (2014), Nos. 14-17, p. 65.

3. Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, with Commentaries (2001) PP. 153-154, available at: legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_7_2001.pdf, (Last visited: June 16, 2018).

۴. بر این اساس فقط کافی است دولت منشا تمام تلاش خود را در پیشگیری از آسیب مزبور به کار بندد اما چنانچه امکان پیشگیری اولیه وجود نداشته باشد، دولت نهایت تلاش ممکن خود را جهت تنزیل یا کاهش خطر آن به کار خواهد گرفت.

می تواند با گذشت زمان تغییر کند چرا که اقداماتی که در یک زمان، مناسب و دقیق به نظر می رسد، ممکن است در زمان دیگر و با لحاظ دستاوردهای علمی و فناوری جدید، ناکافی و غیردقیق به نظر آیند.

۲-۱. اجزای سازنده تلاش مقتضی

گام بعدی برای فهم بهتر تعهد به تلاش مقتضی، تجزیه و تحلیل عناصر سازنده آن است. در این راستا سه عمل را به عنوان عناصر کلیدی این تعهد می توان برشمرد که به ترتیب شامل پیش بینی آسیب یا خطر، اقدام به موقع و اقدام متناسب می شود.

۱-۲-۱. پیش بینی آسیب

آسیب زیست محیطی زمانی قابل پیشگیری است که بتوان آن را پیش بینی نمود. در رویه قضایی موجود برای احراز آسیب قابل پیش بینی از اوصاف مختلفی همچون «واقعی»، «جدی»، «احتمال وقوع زیاد»، «مشخص»، «شناخته شده»، «غیر قابل قبول» استفاده شده است که از آن میان دو ویژگی پیش بینی پذیری و میزان جدیت، بیشتر از سایر عبارات به عنوان اوصاف آسیب به کار گرفته شده است. در رابطه با پیش بینی دو نکته مهم قبال ذکر است: نکته اول این است که دولت ها الزامی به پیش بینی مقیاس یا محل دقیق آسیب ندارند؛ از این رو داشتن علم قطعی به پیش بینی موقعیت یا آسیب مشخص لازم نیست بلکه صرف پیش بینی پیامدهای عام آسیب توسط دولت منشا کفایت می کند.^۲

نکته دوم نقش ادله علمی در پیش بینی است؛ ممکن است دولت منشا ادعا نماید که بدون وجود ادله علمی دال بر بروز آسیب فرامرزی هیچ الزامی به پیشگیری و کنترل آن ندارد؛ اما از آنجایی که پذیرش چنین دیدگاهی محیط زیست را به خطر می اندازد در صورت فقدان ادله علمی باید بنا را بر احتیاط گذاشته و براساس آن عمل کرد.^۳ لذا ادله علمی در تعهد به تلاش مقتضی (پیش بینی آسیب) نقشی ایفا نمی کند.

1. Portuguese Colonies Case (Portugal V. Germany) Award of 1928, II BR AA (1949) Para. 1031.

2. Christina Voigt, "State Responsibility for Climate Change Damages", *Nordic Journal of International Law*, (2008), 77(1-2) pp.11, 12.

3. Maria Flemme, "Due Diligence in International Law", *Lup Student Papers*, (2005), p.15.

۲-۲-۱. واکنش به موقع

برای ایفای تعهد به تلاش مقتضی دولت منشا باید پس از پیش‌بینی آسیب نسبت به آن واکنش نشان دهد یعنی باید کلیه اقدامات «ضروری» و «در دسترس» را در «اولین» فرصت برای پیشگیری از بروز آسیب و یا کنترل آن به کار گیرد. بدیهی است زمانی که دولت منشا از بهترین و آخرین تکنولوژی‌های در دسترس جهت واکنش استفاده نماید نتیجه مطلوب‌تری حاصل می‌شود بنابراین زمانی می‌تواند مدعی انجام تلاش مقتضی باشد که پس از پیش‌بینی آسیب، در فرصت مقتضی از بهترین فناوری‌هایی که دارد برای مهار و مقابله با آسیب استفاده نماید. باید توجه داشت که بعضی مواقع کشور منشا آسیب، به تنهایی و با واکنش لازم می‌تواند از گسترش آن به دیگر کشورها جلوگیری کند اما اگر آسیب جهانی باشد، اقدام به موقع به عنوان جزئی از تعهد به تلاش مقتضی بر عهده کلیه کشورها است که اقدامات لازم را در بهترین زمان انجام دهند و از گسترش و وخیم‌تر شدن آسیب جلوگیری نمایند.^۱

۳-۲-۱. اتخاذ اقدامات متناسب

منظور از اقدامات متناسب اقداماتی است که دولت از یک طرف با توجه به شرایط داخلی خود و از طرف دیگر با لحاظ خطرات پیچیده آسیب‌های فرامرزی باید انجام دهد. بنابراین اقدامات متناسب دو وجه دارد یکی شرایط و اوضاع و احوال داخلی دولت منشا و دیگری توجه به تبعات آسیب برای سایرین. در مورد وجه نخست، از آنجایی که همه کشورها از توانایی و ظرفیت‌های مشابه برخوردار نیستند، انصاف حکم می‌کند که به ظرفیت واقعی دولت منشا در پیشگیری از آسیب توجه شود. به عنوان یک واقعیت باید پذیرفت میزان مراقبتی که از یک دولت با اقتصاد و منابع مادی و انسانی توسعه‌یافته و یک نظام حکومتی تکامل‌یافته انتظار می‌رود، بسیار متفاوت از دولت‌هایی است که از این نظر در جایگاه مناسبی قرار ندارند.^۲ این برداشت مطابق با اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت نیز است برای این منظور شاخص‌هایی همچون سطح توسعه اقتصادی و نیز میزان دخالت در ایجاد و تداوم خطر آسیب زیست‌محیطی می‌تواند در احراز ایفای تلاش مقتضی تعیین‌کننده باشد.

1. Christina Voigt, "State Responsibility for Climate Change Damages", *Nordic Journal of International Law*, (2008), 77(1-2) pp.10, 11.

2. René Lefber, *Transboundary Environmental Interference and the Origin of State Liability* (The Hague: Kluwer Law International, 1999) p.65.

در رابطه با وجه دوم، استفاده از معیار تعادل می‌تواند مثر ثمر باشد؛ برقراری تعادل میان منافع و ظرفیت‌های دولت منشا و منافع دولت آسیب‌دیده یکی از شاخصه‌هایی است که برای تشخیص تناسب به کار می‌آید. برای مثال در حوزه آسیب‌های ناشی از گازهای گلخانه‌ای؛ اینکه چه ابزارهایی جهت کاهش غلظت گازهای گلخانه‌ای باید به کار گرفته شود در حوزه صلاحدید دولت منشا و با لحاظ شرایط داخلی آن دولت صورت می‌گیرد اما این موضوع که ابزار یا ابزارهای انتخابی اساساً متناسب است یا خیر، مستلزم برقراری تعادل میان منافع دولت منشا و دولت‌های متأثر است. از موارد دیگر برقراری تعادل میان حاکمیت سرزمینی دولت منشا و تمامیت ارضی کشور متأثر و یا وجود تعادل میان توانایی‌های فنی و اقتصادی دولت منشا از یک سو و منافع دولتی که به‌طور بالقوه در معرض خطر قرار دارد از سوی دیگر است. البته باید توجه داشت که متناسب بودن، به وقایع خاص هر مورد بستگی دارد و نمی‌توان با یک تحلیل کلی همه جزئیات را مورد بررسی قرار داد؛ مثلاً آسیبی که در اثر تغییرات آب و هوایی ایجاد می‌شود، می‌تواند منجر به از دست دادن زمین، آسیب به سلامتی و اموال مردم و خطرات بالقوه دیگر گردد، اما این خطر برای برخی از دولت‌ها بویژه کشورهای کوچک و کشورهای پست و کم‌ارتفاع، بسیار جدی‌تر است. بنابراین فقط اقدامات «اساسی» کاهنده غلظت گازهای گلخانه‌ای، می‌تواند برای آن کشورها «متناسب» تلقی شود، در حالی که برای کشورهای که در معرض خطر کمتری هستند، انجام اقدامات مذکور با درجه حساسیت کمتر هم کفایت می‌کند. قابل ذکر است که به منظور اجرای صحیح تعهد اتخاذ اقدامات متناسب، وظیفه یا تکلیف عمومی برای مشورت، همکاری، تبادل اطلاعات و ارزیابی اثرات زیست‌محیطی که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح پیش‌نویس پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک (مواد ۸ و ۹) به عنوان ابزارهای اجرایی تعیین شده‌اند، نیز مهم است.

۲. تعهد به همکاری: عنصر شکلی

لازمه عملیاتی شدن تعهد تلاش مقتضی، وجود همکاری است. همکاری به عنوان تعهدی عرفی و معاهداتی در بسیاری از اسناد زیست‌محیطی و رویه قضایی نمود داشته است. تعهد به همکاری حسب اینکه قبل از بروز آسیب باشد یا بعد از آن اهداف متفاوتی پیدا می‌کند. در

تعهد به همکاری بعد از بروز آسیب، هدف جبران خسارات وارده و سایر مسایل ناشی از آسیب است چنانچه در رای «تریل اسملتر» نیز دیوان داوری از طرفین می‌خواهد برای حل و فصل مسائل ناشی از آلودگی پیش آمده با هم همکاری نمایند؛ اما هدف از تعهد به همکاری قبل از بروز آسیب، پیشگیری از بروز آسیب است و به همین جهت از آن تحت عنوان عنصر شکلی تعهد به پیشگیری یاد می‌شود. بر این اساس کشوری که از همان ابتدا برای پیشگیری از آسیب فرامرزی، همکاری را اساس کار خود قرار دهد تعهد خود به پیشگیری را ایفا نموده است. در همین راستا دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در قضیه ماکس پلانک تصدیق نموده که دولت‌ها بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها و حقوق بین‌الملل عمومی به منظور پیشگیری از آلودگی دریاها، ملزم به همکاری با یکدیگر هستند.^۱

۲-۱. اجزای تعهد به همکاری

تعهد به همکاری به عنوان عنصر شکلی پیشگیری، در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود و معنای خاص آن شامل اطلاع‌رسانی، مشورت و مذاکره می‌شود حال آن که همکاری در معنای عام علاوه بر موارد مذکور، ارزیابی آثار زیست‌محیطی را نیز در بر می‌گیرد؛ به نظر می‌رسد با توجه به اهمیتی که محیط زیست دارد باید معنای عام همکاری را مدنظر قرار داد زیرا متضمن حفاظت موثرتر از محیط زیست است، رویه قضایی نیز موید پذیرش معنای عام همکاری است.

۲-۱-۱. ارزیابی اثرات زیست‌محیطی

کنوانسیون ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در چارچوب فرامرزی (۱۹۹۱)^۲ ارزیابی را به عنوان آیین و روش داخلی بررسی اثر احتمالی فعالیت بر محیط زیست تعریف کرده است که هدف آن پیشگیری و یا کاهش و کنترل آثار مخرب فرامرزی می‌باشد.^۳ بنابراین طبق کنوانسیون؛ نحوه اجرای ارزیابی، متأثر از الزامات قانونی و ابزارهای عملی است که هر دولت

1. Alexandre Kiss, Dinah Shelton, *Guide to International Environmental Law* (United States of America: Martinus Nijhoff Publishers, 2007) p.13.

2. Convention on Environmental Impact Assessment in Transboundary Context, Signed at Espoo, on 25 February 1991.

3. Hanqin Xue, *Transboundary Damage in International Law*, Vol. 27 (Cambridge University Press, 2003) pp. 161- 168.

در حقوق داخلی اش در اختیار دارد و بدیهی است که امکانات فنی و منابع مالی و اقتصادی اثرگذار خواهد بود و مادامی که دولت از ظرفیت‌های موجود خود به بهترین نحو و با حسن نیت استفاده نماید می‌توان گفت که تعهد به ارزیابی را انجام داده است.

ارزیابی آثار زیست‌محیطی در نظام‌های حقوقی داخلی مانند آمریکا، کانادا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز موافقت‌نامه‌های دوجانبه همکاری مانند موافقت‌نامه آمریکای شمالی در مورد همکاری زیست‌محیطی (۱۹۹۳)، موافقت‌نامه همکاری برای حفاظت از محیط زیست بین آلمان و لهستان (۱۹۹۴) و معاهده همکاری زیست‌محیطی بین لهستان و اوکراین (۱۹۹۴) و همچنین معاهدات چندجانبه مانند کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی (۱۹۹۲)، کنوانسیون حفاظت و استفاده از منابع آبی فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی (۱۹۹۲)، طرح پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک (۲۰۰۱)^۱ و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا^۲ منعکس شده است. برای مثال ماده ۷ طرح فوق نسبت به پروژه‌ها یا فعالیت‌های صنعتی که نتیجه آن‌ها از لحاظ زیست‌محیطی غیرقابل پیش‌بینی است، ارزیابی را لازم دانسته است. فارغ از جزئیات مندرج در اسناد و مقررات یاد شده، مضمون آنها مشترک بوده و اعضای خود را بویژه کشورهایایی که به‌طور بالقوه موجد آسیب فرامرزی هستند، به ارزیابی علمی و عملی فعالیت آسیب‌زا ملزم می‌کنند. مهمترین فایده‌ای که ارزیابی دارد این است که امکان تصمیم‌گیری در خصوص عدم انجام یک فعالیت و یا انجام توأم با احتیاط آن را برای کشورهای ذی‌ربط فراهم می‌آورد.

در رأی داوری کارخانه «تریل اسملتر»، دیوان داوری بر اهمیت ارزیابی آثار ناشی از فعالیت‌های موجد خطر قابل توجه تأکید نموده است.^۳ دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در آرای مختلف خود به این موضوع پرداخته؛ در قضیه گابچیکوو-ناگیماروس ضمن تأکید بر

1. Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, with Commentaries”, (2001), PP. 157, 158. Available at: legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_7_2001.pdf, (Last visited: June 16, 2018).

2. Council Directive 97/11/EC of 3 March 1997 amending Directive 85/337/EEC on the assessment of the effects of certain public and private projects on the environment, available at: <http://www.fao.org/faolex/results/details/en/c/LEX-FAOC018645/>. (Last Visited, June 19, 2018).

3. Trail Smelter Case (United States, Canada), 16 April 1938 and 11 March 1941, p. 1973, available at: http://legal.un.org/riaa/cases/vol_III/1905-1982.pdf, (Last visited: June 17, 2018).

آسیب‌پذیر بودن محیط زیست، دولت‌ها را ملزم به "ارزیابی مداوم" آثار فعالیت‌هایی می‌نماید که مستعد آسیب به محیط زیست به‌خصوص آسیب‌های فرامرزی هستند. همچنین دیوان ارزیابی قبلی اثرات زیست‌محیطی و نظارت بعدی بر خطرات زیست‌محیطی را زنجیره‌ای به هم پیوسته تلقی نموده و ابراز می‌دارد همانطور که ارزیابی اثرات زیست‌محیطی ابزاری مهم در پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی است، قصور در نظارت مناسب نیز می‌تواند منجر به شکست در اتخاذ اقدامات متناسب و در نتیجه عدم انجام تلاش مقتضی جهت ایفای تعهد به پیشگیری شود.^۱

دیوان در پرونده کارخانه خمیر کاغذ نیز ارزیابی آثار زیست‌محیطی را نسبت به اجرای هر طرحی که "پتانسیل ایجاد آسیب فرامرزی قابل توجه" دارد، ضروری اعلام می‌کند و در بند ۲۰۴ رای اظهار می‌دارد: امروزه منشا التزام به ارزیابی، حقوق بین‌الملل عام است.^۲ همچنین در بندهای ۱۰۴، ۱۵۳ و ۱۵۴ رأی خود راجع به قضیه برخی فعالیت‌های انجام شده از سوی نیکاراگوئه در منطقه مرزی و ساخت جاده توسط کاستاریکا کنار رودخانه سن‌خوان، میان ارزیابی و پیش‌بینی خطر، پیوند برقرار کرده و بیان می‌دارد که ارزیابی اولیه از فعالیت مورد خطر، یکی از روش‌هایی است که دولت‌ها می‌توانند برای "تشخیص خطر آسیب فرامرزی" از آن بهره‌گیرند.^۳ دیوان بین‌المللی حقوق دریاها نیز در دستور موقت صادره در قضیه تنگه جوهور ضمن اشاره به خودداری سنگاپور از ارزیابی آثاری که احیا یا گسترش ارضی می‌تواند بر آب‌ها و محیط زیست دریایی تحت صلاحیت مالزی بگذارد، بر اهمیت همکاری میان طرفین و ضرورت انجام ارزیابی قبل از انجام هر فعالیت آسیب‌زا به محیط زیست اشاره نموده است.^۴ فراز ۵۹ دستور موقت به درستی بیانگر مناسبات میان ارزیابی و همکاری است که از دید دیوان حقوق دریاها پنهان نمانده است.

1. Gabcikovo Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), 1997. Para 112.

2. Judgments | Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay) | International Court of Justice, paras 119, 204. available at: www.icj-cij.org/en/case/135/judgments, (Last visited: June 15, 2018).

3. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment of 16 December 2015, Paras 104, 153, 154.

4. Case concerning Land Reclamation by Singapore in and Around the Straits of Johor (Malaysia v. Singapore), Provisional Measures, ITLOS No 12 (2003), Paras 95, 106, available at: legal.un.org/riaa/cases/vol_XXVII/133-145.pdf, (Last visited: June 17, 2018).

۲-۱-۲. اطلاع‌رسانی

چنانچه ارزیابی آثار زیست‌محیطی نشان دهنده وجود آسیب فرامرزی قریب‌الوقوع باشد، دولت‌منشا باید کشورهای متأثر شونده را در اولین فرصت از پروژه موردنظر خود مطلع سازد؛ تعهد به همکاری این تکلیف را بر عهده دولت منشا قرار داده است تا دولت‌های ذریبط را از عواقب مضر احتمالی یا واقعی فعالیت در حال انجام مطلع نماید.

الزام به اطلاع‌رسانی، به دولت‌ها کمک می‌کند تا در ارزیابی هر چه بهتر موقعیت‌ها و به تبع آن اتخاذ اقدامات پیشگیرانه مورد نیاز، موفق‌تر عمل نمایند.^۱ بررسی اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه نشان می‌دهد که الزام به اطلاع‌رسانی به عنوان عنصر مهم تعهد به همکاری به رسمیت شناخته شده است.^۲ برای مثال کنوانسیون استفاده غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی (۱۹۹۷) در ماده ۱۲ از اطلاع‌رسانی به عنوان یکی از عوامل و عناصر مهم تعهد به همکاری یاد کرده و اظهار می‌دارد کشور دارنده آبراه بین‌المللی ملزم است طرحی که قصد انجام آن را دارد که احتمالاً باعث ورود آسیب قابل توجه به آبراه‌های بین‌المللی کشور یا کشورهای دیگر می‌شود را قبل از عملیاتی شدن، ارزیابی زیست‌محیطی کرده و نتیجه را به کشورهای مذکور اطلاع‌رسانی نماید.^۳

اطلاع‌رسانی به عنوان عنصر تعهد به همکاری و جزئی از تعهد به پیشگیری، در رویه قضایی بین‌المللی نیز انعکاس داشته است. دیوان در بند ۱۱۳ رای کارخانه خمیر کاغذ صراحتاً بیان می‌دارد: تعهد به اطلاع‌رسانی، مقرر شده تا شرایط را برای همکاری بین طرفین (اروگوئه و آرژانتین) مهیا سازد.^۴ در پرونده برخی فعالیت‌های خاص انجام شده توسط نیکاراگوئه در منطقه مرزی نیز دیوان ضمن اشاره به ارتباط میان پیش‌بینی آسیب (عنصر سازنده تلاش مقتضی) با اطلاع‌رسانی (عنصر شاکله همکاری) به این نتیجه می‌رسد که چون

1- Christina Voigt, "State Responsibility for Climate Change Damages", *Nordic Journal of International Law*, (2008), 77(1-2), pp. 168- 170.

۲. برای اطلاعات بیشتر در این مورد ر.ک کنوانسیون باماگو (۱۹۹۱)، کنوانسیون ارزیابی آثار زیست محیطی فرامرزی (۱۹۹۱)، کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲)، طرح پیش‌نویس پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک کمیسیون حقوق بین‌الملل و اعلامیه ریو.

3. Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses (1997), Article 12.

4. Judgments | Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay) | International Court of Justice, Para 113. Available at: www.icj-cij.org/en/case/135/judgments, (Last visited: June 15, 2018).

فعالیت نیکاراگوئه، خطر آسیب قابل توجهی دربر نداشته، آن کشور ملزم به اطلاع‌رسانی به کاستاریکا نبوده است.^۱ از مفهوم مخالف نظر دیوان این گونه برداشت می‌شود که در صورت احراز آسیب جدی، نیکاراگوئه ملزم به اطلاع‌رسانی می‌بود. دیوان مجدداً در قضیه ساخت جاده در مجاورت رودخانه «سن خوان»، تعهد به اطلاع‌رسانی را از اسباب همکاری اعلام کرده و تصدیق می‌نماید اگر ارزیابی اثر زیست‌محیطی مؤید آسیب فرامرزی قابل توجه باشد، تعهد به تلاش مقتضی ایجاب می‌کند، دولت عامل فعالیت برای پیشگیری از ورود آسیب فرامرزی قابل توجه به دولت یا دولت‌های بالقوه متأثر، وارد عمل شده و آنها را مطلع سازد.^۲ دیوان بین‌المللی حقوق دریاها نیز در دستور موقت خود در پرونده‌های ماکس پلانٹ^۳ و تنگه جوهور، از تبادل اطلاعات به عنوان یکی از عناصر همکاری یاد کرده و بر اعمال آن در مواقع مقتضی تأکید نموده است.^۴

۳-۱-۲. مشورت و مذاکره

مشورت و مذاکره دو مرحله متفاوت هستند هرچند غالباً در ادبیات حقوقی کنار هم و یا جای هم به کار می‌روند. در واقع مشورت با هدف شناسایی مسائل مورد اختلاف صورت می‌گیرد و پس از آن دولت‌ها وارد مرحله مذاکره شده و سعی می‌کنند مسائل مورد اختلاف را حل کنند با این حال به دلیل پیوستگی زیادی که بین مشورت و مذاکره وجود دارد، اغلب تفکیک میان آنها سخت و یا حتی غیرممکن می‌شود.^۵ مشورت و مذاکره اوج همکاری میان دولت‌هاست که می‌تواند به راه‌حل‌های منصفانه منجر شود و بیانگر احترام کشورها به حقوق و منافع مشروع یکدیگر است.

1. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Cost Rica v. Nicaragua), (2015), Para108.

2. Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), (2015), Para 168.

3. Mox Plant Case, (Provisional Measure), ITLOS No 10 (2001), paras. 84, 89, available at: https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/cases/case_no_10/published/C10-O-3_dec_01.pdf, (Last visited: June 18, 2018).

4. Case Concerning Land Reclamation by Singapore in and Around the Straits of Johor (Malaysia v. Singapore), Provisional Measures, ITLOS No 12 (2003), Paras 99, 106. Available at: legal.un.org/riaa/cases/vol_XXVII/133-145.pdf, (Last visited: June 17, 2018).

5. Ilias Plakokefalos, "Prevention Obligations in International Environmental Law", Yearbook of International Environmental Law, (2013), Vol. 23, No. 1, p. 23.

تعهد به مشورت و مذاکره در اسناد بین‌المللی و آرای قضایی مورد توجه واقع شده است. با بررسی اسناد بین‌المللی می‌توان به نتایجی در خصوص مهمترین ویژگی‌های مشورت و مذاکره و زمان ایفای آن دست یافت. داشتن حسن نیت، وجود اعتماد و رعایت منافع منصفانه و مشروع طرفین را می‌توان مهمترین شروط حاکم بر مشورت و مذاکره دانست. قابل ذکر است که برخی از فعالیت‌های مضر به خاطر اهمیتی که در توسعه اقتصادی دارند منع نشده قلمداد شده‌اند، اما انصاف حکم می‌کند که این فعالیت‌ها بدون مشورت با کشورهای بالقوه متأثر و بدون اتخاذ اقدامات متناسب برای حفاظت از محیط زیست آنها صورت نپذیرد و لذا متضمن تکلیف به رایزنی و مشورت برای کشور محل فعالیت است. در همین چارچوب قاعده عرفی با مضمون «تکلیف رسیدن به یک راه‌حل منصفانه وجود دارد»^۱ این تکلیف، اولین بار در ارتباط با بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی و در داوری دریاچه لانو مورد شناسایی قرار گرفت^۲ و بطور مشابه در آسیب‌های فرامرزی منطقه‌ای و جهانی نیز قابل استناد است. از جمله عواملی که می‌تواند تضمین‌کننده منافع منصفانه طرفین باشد؛ توجه به معیارهایی همچون میزان خطر ناشی از آسیب فرامرزی قابل توجه، ظرفیت دولت در دستیابی به ابزارهای پیشگیری، کاهش و یا جبران آسیب، اهمیت فعالیت با در نظر داشتن منافع کلی اجتماعی، اقتصادی و فنی دولت منشا، امکان اعاده وضع به حال سابق، میزان مشارکت کشور منشا یا در صورت لزوم کشور احتمالی متأثر در هزینه‌های پیش‌گیری می‌باشد.^۳

موضوع مهم دیگر این است که چه زمانی دولت‌ها مکلف به مشورت می‌باشند در پاسخ باید گفت همین که احتمال و امکان خطر وجود داشته باشد و یا آلودگی بالفعل و یا قابل پیش‌بینی باشد؛ در دوره زمانی معقول و بدون تاخیر بی‌جهت دولت‌های ذیربط (کشور منشا آسیب و کشور متأثر) باید اقدام به مشورت نمایند. موضوع مشورت، آثار فرامرزی بالقوه فعالیت موردنظر و نیز اقداماتی است که برای کاهش یا از بین بردن آن آثار می‌تواند مفید و مناسب باشد و هدف از انجام آن دستیابی به راه‌حلی قابل قبول به منظور اتخاذ اقداماتی برای پیشگیری از آسیب فرامرزی قابل توجه یا به حداقل رساندن آن است.

1. Duty to Reach Equitable Solution.

2. Lac Lanoux Arbitration (France V. Spain) 24 ILR 10, (1957), p. 25.

3. Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, (2001), Articles 9, 10.

الزام به مشورت و مذاکره در رویه قضایی بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته و رویه قضایی به روشن شدن ابعاد این تعهد کمک نموده است؛ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال از مذاکره برای رسیدن به توافق به عنوان تعهد طرفین یاد کرده و بیان می‌دارد که هریک از طرفین بایستی با رویکرد تعدیل موضع و مفید و مؤثر بودن مذاکرات وارد گفتگو شوند.^۱ این رویه در رأی گابچیکوو-ناگیماروس نیز تصدیق شده ضمن آنکه دیوان بر حسن‌نیت و انجام مذاکره با دیدگاه رسیدن به توافق تاکید کرده است.^۲ در پرونده خمیر کاغذ؛ دیوان اعلام می‌دارد که طرفین در دوره زمانی انجام مذاکره و مشورت، از انجام کارهایی که حصول توافق را مشکل می‌سازد خودداری ورزند.^۳ با این وجود قضیه ساخت جاده در کاستاریکا را می‌توان اوج توجه دیوان به مقوله مشورت و مذاکره دانست، دیوان از این تعهد به عنوان عاملی برای "شناسایی بهتر خطرات" و کمک به "یافتن بهترین راه‌حل و اعمال اقداماتی جهت پیشگیری" و یا "کاهش آثار" خطرات فرامرزی یاد کرده است.^۴ علاوه بر موارد فوق دیوان بین‌المللی حقوق دریاها هم در قضایای ماکس پلانت^۵ و تنگه جوهور^۶ علاوه بر آنکه طرفین را ملزم به مشورت و مذاکره می‌نماید به صورت ضمنی به ارتباط میان مشورت و مذاکره با همکاری نیز اشاره کرده و ایفای این تعهد را برای تحقق همکاری جهت انجام اقدامات مقتضی، ضروری می‌داند.

۳. جایگاه عناصر ماهوی و شکلی و مناسبات فی مابین

پس از بررسی دو عنصر ماهوی و شکلی تعهد به پیشگیری و اجزای شاکله آنها موضوع مهم دیگری که باید به آن پرداخت، جایگاهی که هر یک در نظام تعهد به پیشگیری دارند و

1. North Sea Continental Shelf Cases (Federal Republic of Germany/Denmark; Federal Republic of Germany/The Netherlands) Judgment, [1969] ICJ Rep 3 paras.85, 86.

2. Gabcikovo Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), 1997. Para 141.

3. Judgments | Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay) | International Court of Justice, Paras 115 & 141-149. available at: www.icj-cij.org/en/case/135/judgments, (Last visited: June 15, 2018).

4. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Cost Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment of 16 December 2015, Paras 106-111 & 165-172.

5. Mox Plant Case, (Provisional Measure), ITLOS November 10 (2001), Para 82.

6. Case concerning Land Reclamation by Singapore in and around the Straits of Johor (Malaysia v. Singapore), Provisional Measures, ITLOS, No 12 (2003), Paras 96, available at: legal.un.org/riaa/cases/vol_XXVII/133-145.pdf. (Last visited: June 17, 2018).

نیز مناسبات میان آنها است. سوالی که وجود دارد این است که آیا تعهدات شکلی جزء لاینفک پیشگیری هستند و یا صرفاً ابزارهایی برای ایفای این تعهد محسوب می‌شوند. به بیان دیگر آیا وابستگی میان این دو عنصر به نحوی هست که قصور در انجام یکی به منزله نقض دیگری باشد. مواد طرح پیشگیری کمیسیون (۲۰۰۱) پاسخ روشنی در این مورد به دست نمی‌دهد. نحوه بیان مواد طرح به گونه‌ای است که ابتدا تلاش مقتضی (ماده ۳) و سپس اجزای تعهد همکاری (مواد ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۲) ذکر شده است، با این حال با مطالعه مواد در می‌یابیم که ارتباطی قوی میان ماده ۳ و مواد مزبور وجود دارد و چنانچه در تفاسیر طرح هم آمده است این مواد «مکمل» هم بوده و «یک مجموعه هماهنگ را تشکیل می‌دهند».^۱ بررسی سایر اسناد بین‌المللی موجود در زمینه پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی نیز نشان می‌دهد که اغلب آنها در شیوه تنظیم مواد به ارتباط میان عنصر ماهوی و شکلی توجه لازم را داشته‌اند اگرچه هیچ یک از اسناد دو عنصر یاد شده را در یک ماده واحد ذکر نکرده‌اند؛ بلکه ابتدا تعهد تلاش مقتضی در یکی از مواد و سپس تعهد به همکاری و اجرای متشکله آن (ارزیابی آثار زیست‌محیطی، اطلاع‌رسانی و ...)، را در مواد دیگر، ذکر کرده‌اند. برای مثال کنوانسیون استفاده غیر کشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی (۱۹۹۷) در ماده ۷ خود مقرر می‌دارد کشورها در استفاده از آبراه‌های بین‌المللی باید همه اقدامات متناسب و مقتضی را به کار گیرند تا از ورود آسیب قابل توجه به آبراه‌ها پیشگیری نمایند. این کنوانسیون در ادامه برای رعایت و اجرای هرچه بهتر ماده فوق ضمن تأکید بر همکاری کشورها، در ماده ۱۲ به اطلاع‌رسانی به عنوان یکی از عوامل و عناصر مهم تعهد به همکاری پرداخته و اظهار می‌دارد کشور دارنده آبراه بین‌المللی ملزم است طرحی که قصد انجام آن را دارد و احتمال دارد آسیب قابل توجه به آبراه‌های بین‌المللی کشور یا کشورهای دیگر وارد کند را قبل از عملیاتی شدن به لحاظ زیست‌محیطی ارزیابی کرده و نتیجه را به کشورهای مذکور اطلاع‌رسانی نماید.^۲ علاوه بر این مورد، کنوانسیون ۱۹۹۱ باماکو (مواد ۴ و ۶)، کنوانسیون ۱۹۹۱ ارزیابی آثار زیست‌محیطی در قالب فرامرزی (مواد ۲ و ۳)، کنوانسیون ۱۹۹۲ تنوع زیستی (ماده ۳ و بند ج ماده ۱۴) و

1. ILC Rep. (2001), Document A56/10, p.391 para.4, available at: <http://www.un.org/documents/ga/docs/56/a561>. (Last visited: June 19, 2018).

2. Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses, (1997), Articles 7 & 12.

اصول ۱۸ و ۱۹ اعلامیه ریو و ماده ۳ و ۸ طرح پیش‌نویس پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک، از این شیوه پیروی کرده‌اند.

اگر از نحوه پرداختن به مواد مرتبط با تعهدات شکلی و ماهوی بگذریم، هیچ یک از اسناد مزبور صراحتاً به مناسبات میان تعهد ماهوی و شکلی از حیث نقشی که می‌تواند در ایجاد مسئولیت دولت در قبال پیشگیری ایفا نماید، اشاره نکرده‌اند. دیوان در قضایای مطرح شده از طرف کاستاریکا و نیکاراگوئه (ساخت جاده در مجاورت رودخانه سن خوان) مقدمتاً بر این موضوع تاکید می‌کند که برای اجرایی شدن هر چه بهتر تعهد به پیشگیری در قبال آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی به تعهدات شکلی مانند ارزیابی آثار زیست‌محیطی، اطلاع‌رسانی، مشورت و مذاکره و... نیاز است، هر چند نهایتاً به دلیل عدم ورود آسیب قابل توجه، به عبارتی عدم نقض تعهد ماهوی، جبران خسارت را منتفی می‌داند.^۱ از مضمون عبارات دیوان در رای مذکور اینگونه برداشت می‌شود که دیوان تعهدات شکلی را ابزارهایی برای اجرای بهتر و موثرتر تعهد به پیشگیری می‌داند. این دیدگاه در رای صادره در پرونده خمیر کاغذ به صورت مبسوط‌تری بیان شده است. پرونده خمیر کاغذ و ادعای آرژانتین مبنی بر اینکه تعهدات ماهوی و شکلی جدایی‌ناپذیر از هم بوده و نقض یکی به منزله نقض دیگری است،^۲ فرصت پرداختن به این موضوع مهم را فراهم ساخت.

دیوان ضمن رد استدلال آرژانتین بیان داشت: «اگرچه تعهدات شکلی (همکاری، اطلاع‌رسانی و مشورت کردن) و تعهد ماهوی (تلاش مقتضی جهت پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی) مکمل یکدیگر هستند اما باید به‌طور مشخص و جداگانه مورد ارزیابی قرار گیرند.» به بیان دیگر دیوان از یک سو رابطه کارکردی^۳ میان دو عنصر را تصدیق نموده است؛ اما از سوی دیگر معتقد است برای بررسی مسئولیت ناشی از نقض، باید هر تعهد مطابق با شرایط خاص خودش بررسی شده و این شرایط باید موردی احراز شود. یکی از مثال‌هایی که برای بررسی موردی می‌توان زد این است که در موافقتنامه‌های مرتبط با موضوع، علاوه بر نقض

1. Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Cost Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment of 16 December 2015, Paras 104, 106-111 & 165-172 & 225-227.

2. Judgments | Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay) International Court of Justice, Para 77. available at: www.icj-cij.org/en/case/135/judgments, (Last visited: June 15, 2018).

3. Functional Link.

تعهد ماهوی (تلاش مقتضی)، عدم رعایت تعهدات شکلی نیز صراحتاً موجد مسئولیت به شمار آمده باشد. بنابراین طبق استدلال دیوان، نقض یک یا چند عنصر شکلی به خودی خود منتهی به نقض عنصر ماهوی نمی‌شود. به علاوه مطابق نظر دیوان پیوند میان این دو دسته از تعهدات می‌تواند شکسته شود؛ مثلاً اگر علی‌رغم رعایت تعهدات شکلی از سوی دولت منشا، نقض تعهد ماهوی اتفاق افتد، دولت مذکور مسئول خواهد بود؛ اما در مقابل اگر با وجود نقض تعهدات شکلی نقض تعهد ماهوی رخ ندهد دولت هیچ مسئولیتی نخواهد داشت مگر آنکه طرفین با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم، صرف عدم ایفای تعهد یا تعهدات شکلی را نقض دانسته که در این صورت، دولت منشا آسیب، صرفاً از جهت نقض تعهد شکلی مسئولیت خواهد داشت.^۱ البته این رویکرد به شدت قابل نقد است؛ با این استدلال که در موضوعات مرتبط با استفاده از منابع طبیعی مشترک و مواردی که امکان آسیب فرامرزی وجود دارد، مهمترین ویژگی که به چشم می‌خورد، عمومیت و انعطاف‌پذیری گسترده اصول ماهوی است. حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، استفاده عادلانه و منطقی از این منابع، تعهد به عدم ایجاد آسیب قابل توجه یا محسوس، اصل توسعه پایدار و غیره همه از عمومیت برخوردارند. مشکل زمانی مضاعف می‌شود که این اصول کلی اغلب در اختلافات کشورهایی که با هم تنش دارند، مطرح می‌شود. در چنین شرایطی است که به وضوح تعهدات شکلی اهمیت قابل توجهی یافته و می‌توانند شاخصی مهم در تعیین نقض تعهدات ماهوی مورد استفاده قرار گیرند لذا این نتیجه که عدم انجام تعهدات شکلی مربوطه نهایتاً بر انجام تعهدات ماهوی اثرگذار نیست، گزاره‌ای است که نمی‌توان آن را به راحتی پذیرفت.^۲

به علاوه، جداسازی تعهدات ماهوی و شکلی که توسط اکثریت قضات در پرونده خمیر کاغذ اتخاذ شده، باعث می‌شود که رعایت تعهدات شکلی، از اهمیت کمتری در نزد دولت‌ها برخوردار شود.^۳

1. Jessica L Rutledge, "Wait a Second-Is that Rain or Herbicide-the ICJ's Potential Analysis in Aerial Herbicide Spraying and an Epic Choice between the Environment and Human Rights", Wake Forest L. No. 46, Rev, (2011), p.1094.

2. Dissenting Opinion of Judges Simma & Al-khasawneh, para 26-27, available at: www.icj-cij.org/files/case.../135/135-20100420-JUD-01-01-BI.pdf, (Last visited: June 19, 2018).

3. Marte Jervan, "The Prohibition of Trans Boundary Environmental Harm, an Analysis of the Contribution of the International Court of Justice to the Development of the No-Harm Rule", PluriCourts Research Paper, No. 14-17, (2014), p. 96.

نتیجه‌گیری

پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی به لحاظ جنبه‌های زیست‌محیطی و منافع اقتصادی، اهمیت فراوانی در حقوق بین‌الملل محیط زیست دارد و به نقل از کمیسیون حقوق بین‌الملل باید به سیاست ترجیحی دولت‌ها در مسائل زیست‌محیطی بدل شود. امروزه تعهد به پیشگیری به شیوه‌های مختلف در معاهدات بین‌المللی متعدد و با هدف حفاظت موثر از محیط زیست در مقابل آلودگی‌های دریایی، کاهش تنوع زیستی، اثرات مخرب فعالیت‌های خطرناک، حوادث صنعتی و ... گنجانده شده است که این امر مشکلاتی را در عرصه بین‌المللی فراهم آورده از جمله این مشکلات از یک سو تنوع موضوعی اسنادی است که متضمن تعهد به پیشگیری هستند و از سوی دیگر نگاه بعضاً متفاوت آنها به این تعهد است که به نوبه خود ارائه معیارهای مشخص برای احراز تعهد را مشکل نموده و همین امر روند عرفی شدن تعهد به پیشگیری را تا اندازه زیادی دشوار ساخته است. این مقاله نشان می‌دهد که می‌توان شاخص‌های مشترک تعهد به پیشگیری را از اسناد و رویه قضایی استخراج نمود. طبق بررسی‌های به عمل آمده تعهد به پیشگیری در قبال آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی از دو جزء تشکیل شده است؛ جزء اول عنصر ماهوی یا تلاش مقتضی است که از سه عنصر پیش‌بینی، اقدام به موقع و متناسب تشکیل شده و احراز هر سه مورد برای ایفای تعهد پیشگیری توسط دولت منشا ضروری می‌باشد. جزء دوم عنصر شکلی یا همکاری است و به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که باید در راستای هر چه بهتر انجام شدن پیشگیری اتخاذ شود. بر خلاف تلاش مقتضی، تحقق همکاری منوط به مشارکت دولت منشا با دولت یا دولت‌های متأثر (بالقوه و بالفعل) از آسیب فرامرزی احتمالی یا واقع شده است. به علاوه یافته‌های مقاله فقدان وجود یک معاهده جهانی که متضمن هر دو عنصر تعهد به پیشگیری باشد را نشان می‌دهد. این خلاء با توجه به افزایش فعالیت‌هایی که می‌توانند آثار برون‌مرزی داشته باشند بیش‌تر احساس می‌شود. بر خلاف تصور، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک (۲۰۰۱) به عنوان جدیدترین تلاش برای به نظم کشیدن تعهد به پیشگیری، گره‌گشا نیست زیرا صرفاً محدود به آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های مخاطره‌آمیز می‌شود، جنبه تکمیلی دارد، فاقد مقرراتی در باب

میزان مسئولیت دولت پیشگیری کننده و جبران خسارت وارده است و همچنین همانند بیانیه‌های استکهلم و ریو از عبارت کلی به عمل آوردن کلیه اقدامات مقتضی استفاده نموده، لذا تصویر جامعی از دو عنصر ماهوی و شکلی و جایگاه هر یک در ایجاد مسئولیت دولت ارائه نمی‌دهد و فاقد سازوکار نظارتی است. بنابراین در شرایط کنونی مناسب‌ترین راه‌حل حقوقی می‌تواند تنظیم یک پیش‌نویس معاهده بین‌المللی جامع با عنوان پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی باشد. برای این که پیش‌نویس، موفقیت‌آمیز باشد باید موارد زیر در تنظیم آن مدنظر قرار گیرد: ذکر دقیق تعهد ماهوی (تلاش مقتضی) و عناصر آن به گونه‌ای که حداقل استانداردهای لازم برای احراز ایفای تعهد در سطح بین‌المللی مشخص شده و کمتر به استانداردهای داخلی کشورها تکیه شود، در رابطه با عنصر شکلی که همکاری فعالانه کشورها برای ایفای آن ضروری است، باید علاوه بر ذکر دقیق عناصر همکاری، نهادی پیش‌بینی شود که دولت منشأ بتواند در چارچوب آن در خصوص آثار فرامرزی بالقوه فعالیت‌هایش و نیز اقداماتی که می‌توان برای کاهش یا از بین بردن آثار سوء زیست‌محیطی آنها انجام داد با دولت‌های متأثر مذاکره، مشورت و تبادل اطلاعات نموده و یا از تجارب یکدیگر بهره ببرند. در خصوص مناسبات میان عناصر شکلی و ماهوی نیز، معاهده پیشنهادی باید برای هر یک از آنها در ایفا و یا نقض تعهد پیشگیری ارزش یکسان قائل شود. به عبارت دیگر نگاه مکمل به تعهدات شکلی که در حال حاضر رویکرد رایج است با توجه به افزایش میزان آسیب‌های فرامرزی و پیچیدگی‌هایی که اجرای این تعهد دارد، قابل نقد بوده و نیاز به اصلاح دارد. تنها با رعایت موارد فوق است که می‌توان انتظار داشت تعهد پیشگیری بتواند به درستی ایفای نقش کرده و از محیط زیست حفاظت موثری به عمل آورد.

منابع

الف- فارسی

- مرادی، حسن، *حقوق محیط‌زیست بین‌الملل*، جلد اول، چاپ اول (تهران: نشر میزان،

۱۳۹۲).

ب- انگلیسی

Books

- Kiss, Alexandre, Shelton, Dinah, *Guide to International Environmental Law*, (United States of America: Martinus Nijhoff Publishers, 2007).

- Lefber. R., *Transboundary Environmental Interference and the Origin of State Liability* (The Hague: Kluwer Law International, 1999).

- Xue, H, *Transboundary Damage in International Law*, Vol. 27 (Cambridge University Press, 2003).

Articles

- Flemme, M., "Due Diligence in International Law", *Lup Student Papers*, (2005).

- Jervan, M, "The Prohibition of Trans Boundary Environmental Harm, an Analysis of the Contribution of the International Court of Justice to the Development of the No-Harm Rule", *PluriCourts Research Paper*", (2014), No. 14-17.

- Koivurova, T., "Due Diligence, Max Planck Encyclopedia of Public International Law", Oxford University Press, Oxford", (2013), available at: <https://www.arcticcentre.org/loader.aspx?id=78182718-d0c9-4833-97b3-b69299e2f127>, (Last visited: June 15, 2018).

- Pedersen, O.W, "Environmental Principles and Environmental Justice", *Environmental Law Review*", (2010), Vol. 12, No. 1.

- Plakokefalos, I., "Prevention Obligations in International Environmental Law", *Yearbook of International Environmental Law*, (2013), Vol. 23, No. 1.

- Rutledge, J. L., "Wait a Second-Is that Rain or Herbicide-the ICJ's Potential Analysis in Aerial Herbicide Spraying and an Epic Choice between the Environment and Human Rights", *Wake Forest L. Rev.*, (2011), No. 46.

- Voigt, C., "State Responsibility for Climate Change Damages", *Nordic Journal of International Law*, Vol. 77, No. 1-2, (2008).

- Zeidan, S. M. M., "The Obligation of Prevention and Reduction as an Essential Obligation for State Responsibility for Environmental Damage Caused by Nuclear Activities", *Denver Journal of International Law and Policy*, (2010).

Documents & Cases

- Bamako Convention on the Ban of the Import into Africa and Control of Transboundary Movement and Management of Hazardous Waste within Africa (1991).

- Basel Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal, (1989).

- Convention on Biological Diversity (1992).

- Convention on Environmental Impact Assessment in Transboundary Context, Signed at Espoo, on 25 February 1991.

- Convention on Long-Range Transboundary Air Pollution (1979).

- Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses (1997).

- Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes, Done at Helsinki, on 12 March 1992.

- Convention on the Transboundary Effects of Industrial Accidents. Signed in Helsinki, Finland, on 17 March 1992.

- Council Directive 97/11/EC of 3 March 1997 Amending Directive 85/337/EEC on the Assessment of the Effects of Certain Public and Private Projects on the Environment. Available at: <http://www.fao.org/faolex/results/details/en/c/LEX-FAOC018645/>, (Last visited, June 19, 2018).

- Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, with Commentaries (2001), available at: legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_7_2001.pdf. (Last visited: June 16, 2018).

- ILC Rep. (2001) Document A56/10. available at: <http://www.un.org/documents/ga/docs/56/a561>. (Last visited: June 19, 2018).

- London Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and other Matter (1972).

- The World Charter for Nature (General Assembly Resolution 37/7 of 28 October 1982).

- Available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/37/a37r007.htm>. (Last visited: June 16, 2018).

- United Nation Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), (1992).

- United Nations Convention on the Law of the Sea, (UNCLOS), (1982).

- Vienna Convention for Protection of Ozone Layer, (1985).

Case Laws, Arbitral Awards & Etc

- Alabama Arbitration (Took place in Geneva in “1871- 1872” to Reolve Claims Made by United State against Great Britain’s Conduct as a Neutral During the American Civil War “1861-65”).

- Case Concerning Land Reclamation by Singapore in and around the Straits of Johor (Malaysia v. Singapore), Provisional Measures, ITLOS No 12 (2003), Available at: legal.un.org/riaa/cases/vol_XXVII/133-145.pdf. (Last visited: June 17, 2018).

- Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Cost Arica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Cost Arica), Judgment of 16 December 2015.

- Dissenting Opinion of Judges Simma & Al-khasawneh. Available at: www.icj-cij.org/files/case.../135/135-20100420-JUD-01-01-BI.pdf. (Last visited: June 19, 2018).

- Gabcikovo Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), 1997.

- Lac Lanoux Arbitration (France V. Spain) 24 ILR 10, (1957).

- Mox Plant Case, (Provisional Measure), ITLOS No 10 (2001), Paras. 84, 89. Available at: https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/cases/case_no_10/published/C10-O-3_dec_01.pdf. (Last visited: June 18, 2018).

- North Sea Continental Shelf Cases (Federal Republic of Germany/Denmark;

Federal Republic of Germany/the Netherlands) Judgment, [1969] ICJ Rep 3.

- Portuguese Colonies Case (Portugal V. Germany) Award of 1928, II BR AA (1949).

- Trail Smelter Case (United States, Canada), 16 April 1938 and 11 March 1941. Available at: http://legal.un.org/riaa/cases/vol_III/1905-1982.pdf. (Last visited: June 17, 2018).

- Judgments | Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay) | International Court of Justice, Available at: www.icj-cij.org/en/case/135/judgments (Last visited: June 15, 2018).

